

واکاوی مفهوم بقیة الله و تطبیق آن بر امام زمان *

مصطفی ورمزیار^۱

چکیده

آیه «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» به چندین گونه تفسیر شده است که سود شرعی و یا نعمت و روزی حلال، پیروی از دستورات و توصیه‌های خدا، بهره و ثواب الهی، رحمت و مراقبت خداوند، فطرت پاک و روح ایمان، و تقوای حاصل از عمل به دستورات الهی، روزی حلال در دنیا و ثواب در آخرت، احکام و فرایض الهی و هر موجود نافع الهی از جمله آنهاست؛ بنابر تفسیر آخر، انبیاء و اوصیاء الهی یکی از مصادیق بقیة الله خواهند بود، و ائمه علیهم السلام نیز این وصف را درباره خود به ویژه در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده‌اند، این تحقیق با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، در پی ارائه تحلیل درست برای تطبیق این آیه بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ به ویژه که در روایات بیان شده که در زمان ظهور، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با این لقب خوانده خواهد شد؛ آخرین هادی باقی مانده، مایه رحمت الهی، و منتظر الهی، سه تحلیلی است که در رابطه با کاربرد لقب بقیة الله درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل ارائه است.

واژگان کلیدی

بقیة الله، مهدویت، ألقاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن.

مقدمه

تطبیق آیه بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از مصادیق، از دیرباز مورد توجه حدیث‌شناسان و مهدی‌پژوهان قرار داشته است و برخی از مفسران نیز با توجه به روایات فراوان در این حوزه، یکی از مصادیق بقیة الله را وجود مقدس انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند.

پیرامون مصطلح قرآنی «بقیة الله» پژوهشی توسط آقای محمدعلی محمدی در مجله اسلام پژوهی، شماره سوم، پائیز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۷-۲۷ انجام گرفته است. دغدغه اصلی محقق در این مقاله، برجسته کردن مفهوم اقتصادی آیه به عنوان مفهوم اصلی و تبیین سیر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

۱. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهش‌کنده مهدویت) قم، ایران (Mova277@yahoo.com).

ورود معنای ثانوی (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

مقاله دیگری نیز با عنوان واژه‌شناسی «بقیه الله» در قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات، توسط آقای حسین میرزایی نیا و خانم فاطمه ابراهیمی آشوری در دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، دانشگاه امام صادق علیه السلام شهر رشت، در سال ۱۳۹۶ ارائه شد. صاحبان این مقاله به کاوش پیرامون واژه «بقیه الله» در منابع پرداخته و یکی از معانی آن را وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده‌اند و پیرامون این معنا جز آن چه در سایر منابع ذکر شده تحلیلی از خود ارائه نکرده‌اند.

این تحقیق با در نظر گرفتن کارهای انجام گرفته در این دو مقاله و مطالب پیرامون آیه در منابع مهدوی در پی ارائه تحلیل مناسب برای تطبیق آیه بر وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و این کار را با تحلیل معنای لغوی، تفسیر آیه و روایات پیرامونی به سرانجام خواهد رساند، ان شاء الله.

بقیه الله در لغت

واژه و ماده «بقاء» در لغت به زندگی، (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۲۲۸۳)، ثبات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲، ۵۸)، دوام (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۲۷۶؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲، ۵۸) و ضد فناء (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۷۹؛ فیروزآبادی، بی تا: ۴، ۳۰۴؛ مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش: ۱، ۳۱۷؛ حسینی زبیدی، محمد، ۱۴۱۴ق: ۱۹، ۲۰۹)، ترجمه شده است.

این واژه در معنای ترصد، ترقب و انتظار نیز به کار رفته است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۳۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۲۴۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۳۲۲۸۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۱، ۴۱۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۱-۵۸۲) البته ابن فارس بین معنای انتظار و دوام جمع می-

۱. و فی الحدیث: «بَقِيْنَا رَسُوْلَ اللهِ» أی: انتظرناه و ترصدنا له مدة كثيرة.

۲. و بَقِيْنَا رَسُوْلَ اللهِ: اِنْتَظَرْنَا. و اَبَقَ الْمُؤَدِّن: اِنْتَظَرَهُ.

۳. و فی الحدیث: «بَقِيْنَا رَسُوْلَ اللهِ ﷺ»، أی انتظرناه

۴. فی حدیث معاذ «بَقِيْنَا رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ قَدْ تَأَخَّرَ لَصَلَاةِ الْعَتَمَةِ» یقال بَقِيْتُ الرَّجُلَ أَتَقِيهِ إِذَا اِنْتَظَرْتَهُ وَ رَقِبْتَهُ. وَ مِنْهُ حَدِيثُ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ صَلَاةِ اللَّيْلِ «فَبَقِيْتُ كَيْفَ يَصَلِّي النَّبِيُّ ﷺ» وَ فِي رِوَايَةٍ «كَرَاهَةٌ أَنْ يَرَى أُنَى كُنْتَ أَتَقِيهِ» أَى أَنْظَرَهُ وَأُرْصَدَهُ.

۵. وَ بَقِيَّتُهُ أَى نَظَرْتُ إِلَيْهَا وَ تَرَقَّبْتَهُ. وَ بَقِيَّةُ اللهِ: اِنْتَظَارُ ثَوَابِهِ؛ وَ بِهِ فَسَّرَ أَبُو عَلِيٍّ قَوْلَهُ: بَقِيْتُ اللهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، لِأَنَّهُ إِذَا اِنْتَظَرْتَ ثَوَابَهُ مِنْ أَمْنٍ بِهِ. وَ بَقِيَّةٌ: اسْمٌ. وَ فِي حَدِيثِ مَعَاذٍ: بَقِيْنَا رَسُوْلَ اللهِ وَ قَدْ تَأَخَّرَ لَصَلَاةِ الْعَتَمَةِ، وَ فِي نَسْخَةِ:

کند و می‌گوید: انتظار یک مرحله و بخشی از ثبات و دوام است؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۱(۲۷۷ و از برخی دیگر که معنی نگاه منتظرانه را برای این واژه برگزیده‌اند؛ (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۳۵۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۴۲۲۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۵۲۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۱-۶۸۲؛ فیروزآبادی، بی-تا: ۴، ۷۳۰۴)، نیز چنین برداشت می‌شود که نگاه منتظرانه با دوام و ثبات همراه است.

واژه «بقیة» نیز به معنای (آن چه از چیزی باقی می‌ماند) (سید رضی، بی‌تا: ۱۶۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۰؛ طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا: ج ۶، ۴۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش: ۵، ۲۸۶) رحمت، دلسوزی و عفو و گذشت، (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۵۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۲۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۰؛ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش: ۱، ۵۶) است؛ و شاید گزینش معنای رحمت و عطف برای این واژه، ریشه در رسم عرب جاهلی داشته باشد که هنگام به خطر افتادن نسل خود در جنگ با واژه «البقیة» یا «البقیة» از دشمن تقاضای ترحم بر نسل خود را می‌کند و عاجزانه از فرد و یا گروه غالب، می‌خواهد که دودمان وی را به کلی از بین نبرده و منقطع نسازد (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۵۴؛ سید رضی، بی‌تا: ۱۶۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۲۷۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۰؛ حسینی

بَقِينَا رَسُولَ اللَّهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى حَسِينَا فَوْتِ الْفَلَاحِ أَيْ انْتَضَرْنَا. وَ بَقَيْتُهُ، بِالتَّشْدِيدِ، وَ أَتَقَبَّيْتُهُ وَ تَبَقَّيْتُهِ كُلَّهُ بِمَعْنَى. وَ قَالَ الْأَحْمَرُ فِي بَقِينَا: انْتَضَرْنَا وَ تَبَصَّرْنَا؛ يُقَالُ مِنْهُ: بَقَيْتُ الرَّجُلَ أَتَقَبَّيْتُهِ بَقِيًّا أَيْ انْتَضَرْتَهُ وَ رَقَبْتُهُ: ۸۲ وَ أَنْشَدَ الْأَحْمَرُ: فَهَنْ يَغْلُكُنْ خَدَائِدَاتِهَا، جُنُجُ النَّوَاصِي نَحْوُ أَلْوَابَاتِهَا، كَالظَّيْرِ تَبَقَى مُتَدَاوِمَاتِهَا، يَعْنِي تَنْظُرَ إِلَيْهَا، وَ فِي حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَ صَلَاةِ اللَّيْلِ: فَتَقَبَّيْتُ كَيْفَ يَصَلِّي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ وَ فِي رِوَايَةٍ: كَرَاهَةَ أَنْ يَرَى أُنَى كُنْتَ أَتَقَبَّيْتُ أَيْ أَنْظَرَهُ وَ أَرَضُدَهُ. اللَّحْيَانِي: تَقَبَّيْتُهُ وَ تَقَوَّيْتُهُ نَظَرْتُ إِلَيْهِ، وَ فِي الْمَحْكَمِ: تَقَاهُ بَعِينَهُ بَقَاوَةً نَظَرَ إِلَيْهِ؛ عَنِ اللَّحْيَانِي. وَ تَقَوَّيْتُ الشَّيْءَ: انْتَضَرْتَهُ، لَعْنَةً فِي تَقَبَّيْتُ، وَ الْبَاءُ أَعْلَى.

۱. و يقول العرب: هو يبقي الشيء ببصره إذا كان ينظر إليه ويرصده... قال ابن السكيت: بقيت فلانا أبقيه، إذا رعيته و انتظرتة و يقال ابق لي الأذن، أي ارقبه لي. و أنشد: فما زلت أبقى اللعن حتى كأنها أواقى سدى تغتالهن الحوائك و من ذلك حديث معاذ رضي الله عنه: «بقينا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، يريد انتظرناه و هذا يرجع إلى الأصل الأول؛ لأن الانتظار بعض الثبات و الدوام.

۲. و فلان يبقيني ببصره إذا كان ينظر إليه و يرصده

۳. و فلان يبقي الشيء بصره: أي ينظر إليه و يرصده

۴. و بقيته أبقيه، أي نظرت إليه و ترقبته

۵. و يقول العرب: هو يبقي الشيء ببصره إذا كان ينظر إليه و يرصده.

۶. و تَقَبَّيْتُهُ أَيْ نَظَرْتُ إِلَيْهَا وَ تَرَقَّبْتُهُ... اللَّحْيَانِي: تَقَبَّيْتُهُ وَ تَقَوَّيْتُهُ نَظَرْتُ إِلَيْهِ، وَ فِي الْمَحْكَمِ: تَقَاهُ بَعِينَهُ بَقَاوَةً نَظَرَ إِلَيْهِ؛ عَنِ اللَّحْيَانِي. وَ تَقَوَّيْتُ الشَّيْءَ: انْتَضَرْتَهُ، لَعْنَةً فِي تَقَبَّيْتُ، وَ الْبَاءُ أَعْلَى

۷. بقاه بعينه بقاوة: نظر إليه. وبقوته: انتظرتة. وابقه بقوتك مالك وبقاوتك مالك أي: احفظه حفظك مالك... وبقاه بقيا: رصده أو نظر إليه و اوية يائية

زبیدی، محمد، ۱۴۱۴ق: ۱۹، ۲۱۱)

این واژه هنگامی که صفت شخص قرار می‌گیرد به معنای برتر بودن او از توصیف و ستایش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۱۸۰؛ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش: ۱، ۲۵۷).
با در نظر گرفتن کلام منابع لغت در واژگان «بقی»، «بقاء» و «بقیة» می‌توان معانی این کلمات را در دوام، ثبات، حیات، رحمت، ترقب و انتظار جمع‌بندی کرد، که این مفاهیم در تحلیل‌هایی که ارائه خواهد شد از جایگاه محوری برخوردارند.

بقیة الله در قرآن

برای فهم بهتر «بقیة الله» لازم است استعمالات این واژه و مشتقاتش در سایر آیات مورد توجه قرار گیرد.

واژه بقی و هم خانواده آن هجده بار در آیات قرآن به کار رفته است. از این میان کلمه بقیة الله با این ترکیب تنها یک بار در قرآن آمده است:

﴿بقیة الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین وما أنا علیکم بحفیظ﴾ (هود: ۸۶)

و لفظ بقیة بدون اضافه به الله دو بار در قرآن آمده است:

﴿وقال لهم نبیهم إن آية ملكه أن یأتیکم التابوت فیہ سکینة من ربکم وبقیة مما ترک آل

موسی و آل هارون تحمله الملائكة إن فی ذلك لآیة لکم إن کنتم مؤمنین﴾ (البقرة: ۲۴۸)

﴿فلولا کان من القرون من قبلکم أولو بقیة ینهون عن الفساد فی الأرض إلا قلیلا ممن أنجینا

منهم واتبع الذین ظلموا ما أترفوا فیہ وکانوا مجرمین﴾ (هود: ۱۱۶)

کاربرد مشتقات دیگر این واژه در قرآن بدین سان است:

«باقیة» ۲ بار

﴿وجعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون﴾ (الزخرف: ۲۸)

﴿وأما عاد فأهلکوا بریح صرصر عاتية * سخرها علیهم سبع لیل وثمانیة آیام حسوما فتری

القوم فیها صرعی كأنهم أعجاز نخل خاویة * فهل ترى لهم من باقیة﴾ (الحاقة: ۶-۸)

«باقیات» ۲ بار

﴿المال والبنون زینة الحیاة الدنیا والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر أملا﴾

(الکھف: ۴۶)

۱. و معنی البقیة إذا قلت فلان بقیة فمعناه فیہ فضل فیما یمدخ به.

۲. یقال: «فلان بقیة» أى فضل مما یمدح به.

«ویزید الله الذین اهدوا هدی والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر مردا» (مریم:

۷۶)

«بقی» ۱ بار

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربا إن کنتم مؤمنین» (البقرة: ۲۷۸)

«ابقی» ۸ بار

«إنا آمننا بربنا لیغفر لنا خطایانا وما أکرهتنا علیه من السحر والله خیر وأبقی» (طه: ۷۳)

«ولا تمدن عینیک إلی ما متعنا به أزواجا منهم زهرة الحياة الدنيا لفتنتهم فیه ورزق ربک خیر

وأبقی» (طه: ۱۳۱)

«وما أوتیتم من شیء فمتاع الحياة الدنيا وزینتها وما عند الله خیر وأبقی أفلا تعقلون»

(القصص: ۶۰)

«فما أوتیتم من شیء فمتاع الحياة الدنيا وما عند الله خیر وأبقی للذین آمنوا وعلى ربهم

یتوکلون» (الشوری: ۳۶)

«والآخرة خیر وأبقی» (الأعلى: ۱۷)

«قال آمنتم له قبل أن آذن لکم إنه لکبیرکم الذی علمکم السحر فلاقطعن أیدیکم وأرجلکم

من خلاف ولأصلبنکم فی جذوع النخل ولتعلمن أینا أشد عذابا وأبقی» (طه: ۷۱)

«وكذلك نجزی من أسرف ولم یؤمن بآیات ربه ولعذاب الآخرة أشد وأبقی» (طه: ۱۲۷)

«وأنه أهلك عادا * وثمود فما أبقی» (النجم: ۵۰-۵۱)

«یبقی» ۱ بار

«کل من علیها فان * ویبقی وجه ربک ذو الجلال والإکرام» (الرحمن: ۲۶-۲۷)

«تبقی» ۱ بار

«وما أدراك ما سقر * لا تبقی ولا تذر» (المدثر: ۲۷-۲۸)

از مجموع آیاتی که واژگانی غیر از «بقیة» در آن‌ها به کار رفته است چنین برداشت می‌شود

که این واژه در قرآن به معنای بقاء، دوام، ثمره، اثر و حیات است، و توجه به این استعمالات

برای فهم معنای «بقیة» از اهمیت ویژه برخوردار است.

بقیة الله در تفاسیر

مراد از بقیة الله

آراء مفسران در معنا و تفسیر «بقیة الله» در آیه «بقیة الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین وما أنا

علیکم بحفیظ» (هود ۸۶) گوناگون است.

برخی این واژه را به سود شرعی و یا نعمت و روزی حلال، تفسیر کرده‌اند؛ (سید رضی، بی‌تا: ۱۶۵؛ طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا: ج ۶، ۴۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش: ۵، ۲۸۶؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق: ۱۲، ۳۷۸؛ طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق: ۱۰، ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش: ۹، ۲۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش: ۱۴، ۳۶۶؛ قرائتی محسن، ۱۳۸۳ ش: ۴، ۱۰۷؛ طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق: ۱۲، ۶۱؛ قرطبی، محمد، ۱۳۶۴ ش: ۹، ۸۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ق: ۴، ۲۹۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۲، ۴۱۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳، ۳۴۶؛ فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق: ۱۸، ۳۸۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۱۴۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۵، ۱۸۶؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۴، ۱۷۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۶، ۳۱۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م: ۷، ۲۵۸) زیرا فضای این آیه و آیات قبل و بعد درباره گفتگوی حضرت شعیب با قوم خود است، ایشان پس از بیان احکام و آداب تجارت، می‌فرماید:

﴿بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین وما انا علیکم بحفیظ﴾

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجازتان به ایمان) نیستم!

این معنی گرچه با فضای آیه سازگاری کامل دارد اما معنای آیه را محدود نکرده و خاص نمی‌کند بلکه آیه عام است و می‌تواند شامل مصادیق دیگر نیز بشود

عده‌ای دیگر نیز معنای عام‌تری برگزیده و این کلمه را به پیروی از دستورات و توصیه‌های خدا، بهره و ثواب الهی، رحمت و مراقبت خداوند، تفسیر نموده‌اند. (سید رضی، بی‌تا: ۱۶۵؛ طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا: ج ۶، ۴۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش: ۵، ۲۸۶؛ طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق: ۱۰، ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش: ۹، ۲۰۴؛ طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق: ۱۲، ۶۱؛ قرطبی، محمد، ۱۳۶۴ ش: ۹، ۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۲، ۴۱۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ق: ۴، ۲۹۵؛ فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق: ۱۸، ۳۸۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۱۴۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳، ۳۴۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۵، ۱۸۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۶، ۳۱۲)

این معنی نیز مانند معنای اول یکی از مصادیق بقیة الله می‌تواند باشد نه تنها مصداق آن. دسته سوم با نگاهی جامع‌تر، معنای فطرت پاک و روح ایمان و تقوای حاصل از عمل به دستورات الهی را برای «بقیة الله» انتخاب کرده‌اند. (گنابادی سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق: ۲،

برخی دیگر نیز بین دنیا و آخرت جمع کرده و بقیة الله را به روزی حلال در دنیا و ثواب ترک محرمات در آخرت تفسیر کرده‌اند (ملاحویش، ۱۳۸۲ق: ۳، ۱۴۷-۱۴۸) آلوسی نیز مراد از بقیة الله را در آیه، احکام و فرائض الهی می‌داند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۶، ۳۱۲) این معانی نیز مراد آیه را محدود نمی‌کند.

برخی دیگر نیز معتقدند هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت گردد «بقیة الله» محسوب می‌شود و با این حساب انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام باقی مانده خدا بر روی زمینند، (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۷۰؛ گنابادی سلطان محمد، ۱۴۰۸ق: ۲، ۳۳۶)، و اکنون خاتم الأوصیاء مصداق بارز این بقیة الله است. (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۲۴، ۲۱۱؛ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۹، ۲۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۶۷؛ همو ۱۴۱۹ق: ۲۳۱؛ قرائتی محسن، ۱۳۸۳ش: ۴، ۱۰۷؛ محمدی، رمضان، بی تا: ۲۱۷)

این معنا با تفسیر بقیة الله به امامان معصوم علیهم السلام هماهنگی کامل دارد.

اضافه بقیة به الله

بقیة باقی مانده از چیزی است که اصل آن از بین رفته و این ترکیب با لحاظ معنای حقیقی، درباره خداوند معنا ندارد برای همین این یک نوع استعاره است و منظور از آن چیزی غیر از معنای ظاهری آن است. (سید رضی، بی تا: ۱۶۵)

بنابراین اضافه بقیة به الله یا تشریفی و تیمنی است (حقی بروسوی، بی تا: ۴، ۱۷۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۷، ۲۵۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۱، ۳۱۲) و یا به این خاطر است که این باقی مانده، از طرف خدا و به ارشاد، اجازه و حکم الهی است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۶۶؛ طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق: ۱۰، ۳۶۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲، ۴۱۹)

کاربرد این واژه در اولیای الهی می‌تواند به این منظور باشد که این ثمره الهی برای استمرار عدل الهی و دعوت خداوندی است و خداوند عز و جل این خط را برای تربیت و هدایت بشر ترسیم نموده است. (صدر، سید محمد، ۱۴۲۷ق: ۳، ۲۶۰)

و نیز می‌تواند اضافه به حذف مضاف دوم باشد یعنی «بقیة جبهة الله» یا «بقیة سبیل الله» یا «بقیة سنة الله» به این معنا که در نبرد بین جبهه الله و جبهه شیطان، و در نظام هستی و آمد و شد پدیده‌ها و جوامع، حق و اهل حق چون با سنت‌های الهی حاکم بر هستی هماهنگ

هستند باقی خواهد ماند و باطل به همین دلیل از بین رفتنی و نابود شدنی است، ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء: ۸۱) و در این فرایند، انبیاء و اوصیاء ایشان به عنوان فرد شاخص جبهه الهی باقی می‌مانند و «بقیة الله» هستند و در عصر حاضر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف «بقیة الله» است.

باقی بودن بقیة الله

باقی بودن بقیة الله نیز به این تحلیل است که اصل بقاء مخصوص ذات الهی است، و هر آنچه به خداوند منتسب گردد نیز به اذن باری تعالی بقاء خواهد داشت (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۶۶) حال اگر مراد از بقیة الله سود شرعی و یا نعمت و روزی حلال باشد انتساب این بقاء به خداوند به این جهت است که این مالی است که به اراده الهی و براساس سنت خداوند، رشد و نمو خواهد داشت و اثر معنوی و برکت آن باقی و ادامه دار است؛ و اگر منظور از بقیة الله، احکام و فرائض الهی، پیروی از دستورات و توصیه‌های خدا، بهره و ثواب الهی، و رحمت و مراقبت خداوند، باشد بقیت الهی آن به این است که به اراده خداوند آثار آن در دنیا تداوم داشته و ثمره و ثواب آن در آخرت پابرجاست؛ و اگر فطرت پاک و روح ایمان، و تقوای حاصل از عمل به دستورات الهی مراد باشد انتساب آن به خداوند به این است که ترتب این اثر به اراده باری تعالی است.

حال اگر بقیة الله را عام بدانیم و بگوییم شامل هر موجود نافع الهی از جمله خاتم الاوصیاء است؛ بقیت الله بودن آن حضرت با توجه به عهده داری رهبری جبهه حق، به این جهت است که در جریان حق و باطل سنت الهی بر این قرار گرفته که حق پابرجا و باطل از بین رفتنی باشد، (اسراء: ۸۱) زیرا وجود باطل، با نظام هستی در تعارض و ناهمگون است و بقائی نخواهد داشت.

کاربرد واژه بقیة الله درباره امامان معصوم علیهم السلام در روایات

در تفسیر آیه بقیة الله گفته شد که یکی از معانی این واژه هر موجود نافع الهی است که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت گردد و انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام به این معنی باقی مانده خدا بر روی زمینند؛ اما این معنا با بررسی روایی کاربرد این ترکیب (بقیة الله) درباره ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف روشن تر خواهد شد؛ درباره کاربرد واژه «بقیة الله» در موضوع ائمه علیهم السلام دو دسته روایت داریم:

دسته اول: کاربرد واژه «بقیة الله» در امامان معصوم علیهم السلام به صورت مجموعی

در زیارت جامعه که توسط امام هادی علیه السلام انشاء شده است، به ائمه علیهم السلام خطاب می‌کنیم: سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده، و زمامداران هدایت‌گر، و سروران و سرپرست مؤمنین، و حامیان حقوق مستضعفین، و اهل ذکر، و اولی الامر، و رحمت باقیه حق، و برگزیده و حزب او (بقیة الله وَ خَیْرَتِهِ وَ حَزْبِهِ). (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۲، ۶۱۰-۶۱۱؛ صدوق، ۱۳۷۸ ق: ۲، ۲۷۳؛ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق: ۶، ۹۶؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق: ۵۲۳ و ۵۲۴-۵۲۶)

دسته دوم: کاربرد واژه «بقیة الله» در برخی از امامان یازده گانه علیهم السلام

در این روایات وصف بقیة الله برای برخی از ائمه به صورت مشخص به کار برده شده است: - در داستان دیدار اعجاز آمیز امیر المؤمنین علیه السلام با اصحاب کهف پس از اینکه اصحاب کهف جواب سلام همراهان آن حضرت را نمی‌دهند خود حضرت در دهانه غار حاضر شده و به ایشان سلام می‌کند و اصحاب کهف نیز جواب داده نزد حضرت آمده با ایشان مصافحه می‌کنند و به حضرت عرض می‌دارند: ای باقی مانده الهی در زمین خدا پس از رسولش «یا بقیة الله فی أرضه بَعْدَ رَسُوْلِهِ» (قطب الدین راوندی (الف)، ۱۴۰۹ ق: ۲، ۸۳۶؛ حلی، حسن بن سلیمان، ۱۴۲۱ ق: ۳۱۷)

- همچنین پس از دیداری که امام باقر با هشام بن عبدالملک دارد او دستور می‌دهد در راه بازگشت به مدینه کسی حق ندارد با ایشان معاشرت کند و آب و غذا به آن‌ها بدهد و آن حضرت به همراه امام صادق سه روز بدون آب و غذا طی مسیر می‌کنند تا به شهر مدین می‌رسند اهالی شهر آن‌ها را به شهر راه نمی‌دهند همراهان امام از گرسنگی و تشنگی شکایت می‌کنند آن حضرت بالای کوهی که مشرف بر شهر است رفته و به مردم شهر خطاب می‌کنند ای اهل شهری که ظالمید، به خدا قسم من باقی مانده الهی بر زمین هستم «أَنَا وَاللَّهِ: بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»، و خداوند در قرآن فرموده «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ». پس از آن پیرمردی، اهل شهر را سرزنش کرده و می‌گوید به خدا قسم این ندای شعیب پیامبر است اگر پاسخش را ندهید بر شما عذاب الهی نازل خواهد شد و مردم متنبه شده به استقبال امام می‌روند. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق: ۲، ۵۲۵-۵۲۷؛ قطب الدین راوندی (الف)، ۱۴۰۹ ق: ۱، ۲۹۳؛ همو (ب)، ۱۴۰۹ ق: ۱۴۴؛ طبری، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۱)

- در داستان ولادت امام رضا علیه السلام هنگامی که امام کاظم علیه السلام او را به آغوش مادر می‌سپارد به نجمه علیها السلام می‌فرماید: او را بگیر همانا او باقی مانده خداوند عزوجل بر روی زمین است «خُدَيْيَه

فَأِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ» (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱، ۲۰؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۲۹۸) طبق متن زیارت جامعه کبیره تمامی امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بقیة الله هستند؛ اما چرا جز امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ تنها درباره سه امام به طور ویژه این لقب به کار گرفته شده است؟ چند پاسخ درباره این پرسش می توان مطرح کرد:

۱. این موارد در موقعیت های خاص و ویژه ای بوده و به خاطر آن شرایط خاص این لقب به کار گرفته شده است و هر کدام از امامان در این موقعیت و این شرایط قرار می گرفتند ملقب به این لقب می شدند به عنوان مثال هر کدام از آن بزرگواران مخاطب اصحاب کهف می شدند لقب بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ رَسُولِهِ براننده ایشان بود و یا هرکدامشان در جایگاه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار می گرفتند ندا می دادند: «أَنَا وَ اللَّهِ: بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»
۲. احتمال دارد در بقیه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز مواردی از این دست بوده و گزارشش به ما نرسیده باشد.

کاربرد لقب « بقیة الله » برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

این روایات که واژه « بقیة الله » را درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به کار برده اند خود به دو گروه تقسیم می شوند چون این لقب یا توسط معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برای امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ استفاده شده و یا توسط خود آن حضرت به کار گرفته شده است:

الف) از زبان سایر معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

- پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب جابر بن عبد الله انصاری که از تفسیر آیه اولوا الامر می پرسد اسامی امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به ترتیب بیان می فرمایند، تا به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ می رسد می - فرماید:

سپس هم نام و هم کنیه من حجت خدا بر زمین و باقی مانده او در بین بندگان (حَجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ) فرزند حسن بن علی او کسی است که خداوند، شرق و غرب عالم را به دست او آزاد می کند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ۲۵۳؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۵۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۹۷؛ قطب الدین راوندی (ب)، ۱۴۰۹ق: ۳۶۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱، ۲۸۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۵۰۹)

- امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ زندیقی که سؤالاتی درباره آیات قرآن پرسیده بود، در پاسخ چپستی اولوا الامر و بقیة الله فرمودند:

در هر سو که رو کنید آنجا وجه الله است آنها بقیة الله هستند و مراد از آن مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

است پس از پایان این دوران خواهد آمد و زمین را سرشار از قسط و عدل خواهد کرد همان‌گونه که ظلم و جور آن را احاطه کرده بود. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱، ۲۴۵-۲۵۲)

- امام باقر علیه السلام در ضمن توصیف علم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

هر کس از شما که باقی ماند تا ایشان را ببیند هنگام سلام کردن بر ایشان بگوید سلام بر شما ای خانواده رحمت و نبوت ای معدن علم و جایگاه رسالت سلام بر تو ای باقی مانده خداوند بر روی زمین «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». (حلی، ۱۴۰۸ق:

(۶۵)

همچنین امام باقر علیه السلام در تشریح حوادث هنگامه ظهور می‌فرمایند:

قائم ما زمانی که قیام خود را آغاز کند، پشت خود را به کعبه تکیه داده و سیزده نفر یارانش نزد او جمع شده و اولین کلام حضرت این آیه است: «يَقِيْتُ اللَّهَ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، سپس می‌فرماید: من بقیة الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما هستم، و پس از آن هر مسلمانی که می‌خواهد بر او سلام کند عرض می‌کند سلام بر تو ای باقی مانده خدا روی زمین «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ۳۳۰؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۶۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۵۳۴-۵۳۵؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۵۲، ۱۹۱)

- امام صادق علیه السلام در توصیف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سید حمیری فرمودند:

آخرین نفر از پیشوایان هدایت، قیام‌کننده به حق، باقی مانده خدا بر روی زمین و صاحب زمان است «بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ صَاحِبُ الزَّمَانِ» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ۳۳ و ج ۲، ۳۴۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۰۹)

همچنین ایشان در پاسخ شخصی که پرسیده بود آیا به قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر المؤمنین خواهیم گفت؟ فرمودند:

نه؛ این اسمی است که خداوند بر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نهاده. عرض کرد پس چگونه سلام کنیم؟ حضرت فرمود: می‌گویی: سلام بر تو ای باقی مانده خدا بر زمین «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» و سپس آیه را تلاوت کردند. (فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق: ۱۹۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱، ۲۷۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق: ۲، ۳۶۰؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲، ۶۵۳)

- گروهی از شیعیان خدمت امام هادی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده درباره خوش‌یمنی و بدیمنی روزها از ایشان سؤال می‌پرسند ایشان در ضمن بیان معنی روزها، جمعه را متعلق به امام زمان دانسته و می‌فرماید:

او کسی است که مایه اتحاد امت و اتمام نعمت خواهد شد و خدا به وسیله او حق را برپا و باطل را نابود خواهد کرد، او مهدی منتظر شماس است و پس از تلاوت این آیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» به ما فرمود: به خدا قسم او باقی مانده خداست «وَ اللَّهُ هُوَ بَقِيَّةُ اللَّهِ». (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۶۳)

ب) از زبان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام لقب «بقیة الله» را به مناسبت های مختلف برای خود به کار برده و خواهد برد.

زمانی که احمد بن اسحاق اشعری قمی از جانشین امام عسکری سؤال می کند آن حضرت به اندرونی رفته و کودکی سه ساله مانند ماه شب چهارده را بر دوش گرفته و نزد او آورده به او نشان می دهد؛ احمد بن اسحاق عرض می کند آیا نشانه ای ذکر نمی فرمایید تا قلبم به آن مطمئن شود؟ امام زمان لب به سخن گشوده و با زبان عربی فصیح می فرماید:

من باقی مانده خدا بر روی زمینش و انتقام گیرنده از دشمنانش هستم «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ» ای احمد بن اسحاق وقتی به چشم خود داری می بینی دیگر دنبال نشانه نباش. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲، ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۴۰؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۵۲۶)

در زیارت ال یاسین که در توقیع شریف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام که برای سید مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ صادر شده، آن حضرت می فرماید:

هر گاه قصد توجه به خدای تعالی و ما را نمودید پس همان طور که خدا فرموده بگوئید: سَلامٌ عَلٰی اِلِّیَّ یَاسِینَ... سلام بر تو ای باقی مانده خدا بر روی زمین «السَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۲، ۴۹۳؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۹)

در زیارت دیگری که با نام زیارت سرداب مقدس در توقیع سید حمیری صادر شده، آن حضرت می فرماید:

... و تو ای مولای من و ای حجت خدا و باقی مانده اش، «یا حُجَّةَ اللَّهِ وَ بَقِيَّتَهُ» نعمت کامل خدا و وارث پیامبران و جانشینان خدایی. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۷-۵۶۸؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۹۱، ۳۶-۳۷؛ همان، ۹۹، ۹۲-۹۳)

در دعای ندبه که منتسب به وجود مقدس آن حضرت است، فرموده اند:

کجاست آن باقی مانده الهی که از عترت پاک بیرون نیست، کجاست آن کسی که برای نابودی و ریشه کنی ظالمان ذخیره شده است «أینَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَحُلُو مِنَ الْعِثْرَةِ



الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ». (ابن طاووس، بی تا: ۴۴۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۴ق: ۱، ۵۰۴؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۷۳؛ مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۳؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۸۸، ۲۸-۲۹ و ۹۹، ۱۰۴)

- در روایت امام باقر علیه السلام نیز بیان شد که آن حضرت هنگام ظهور پس از خواندن آیه «بَقِيْتُ اللهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» این لقب را بر خود تطبیق داده و مردم نیز با همین عنوان بر او سلام خواهند کرد. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ۳۳۰-۳۳۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۶۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۵۳۵؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۵۲، ۱۹۱)

تحلیل بقیة الله بودن ائمه علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله فرجه الشريف

امام زمان عجل الله فرجه الشريف آخرین ذخیره الهی و باقی مانده از سلسله انبیاء و اوصیاء است. آن حضرت هنگام ظهور و در خطبه‌ای که در مکه ایراد می‌فرمایند، به این نکته اشاره می‌کنند:

فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ. (ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۱)

همچنین کاربست واژه‌هایی از قبیل بقیة الانبیاء، (ابن طاووس، بی تا: ۴۷۹) بقیة الابرار، (هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ۲، ۷۱۲؛ سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۷؛ ثقفی، ۱۳۹۵ق: ۶۷۶-۶۷۷؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۳۴، ۱۲۱) و بقیة الحجة (و سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۶۳؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ۱۰، ۹۵-۹۶؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق: ۳۴، ۱۲۸، و قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳، ۲۷۲) درباره امام زمان عجل الله فرجه الشريف بر اساس همین ویژگی ایشان است.

آوردن نام حضرت آدم و انتساب بقیه به ایشان شاید اشاره به ابتدای شکل‌گیری جبهه حق و باطل باشد و این معنا را می‌رساند که امام مهدی عجل الله فرجه الشريف آخرین رهبر الهی باقی مانده از جدال بین حق و باطل و تنها بازمانده از سلسله هادیان الهی و رهبران جبهه حق است، و انتساب بقیه به انبیاء و ابرار و حجج، نیز شاید این معنا را برساند که امام مهدی عجل الله فرجه الشريف آخرین فرد باقی مانده از سلسله هادیان الهی و آخرین از اوصیاء انبیاء و ابرار و حجج است.

در تفسیر بقیة الله بیان شد که برخی از مفسران بقیة الله را به معنای هر چیز نافع که منتسب به خداست معنا کردند، بنابراین انبیاء الهی که از جانب خدا برای هدایت بشر و رهبری جبهه حق فرستاده می‌شوند از جمله حضرت شعیب، از مهم‌ترین مصادیق این کلی خواهند بود. (گنابادی سلطان محمد، ۱۴۰۸ق: ۲، ۳۳۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۷۰؛ همو، ۱۴۱۹ق: ۲۳۱)

اما به کارگیری ترکیب «بقیة الله» در امامان معصوم علیهم السلام به ویژه در خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به کار بست واژگان دیگری چون بَقِيَّةٌ مِنْ اَدَمَ، بَقِيَّةُ الانبياء، بَقِيَّةُ الابرار، و بَقِيَّةُ الحجة؛ درباره ایشان چند تحلیل می تواند داشته باشد:

تحلیل اول: آخرین هادی باقی مانده

امامان معصوم علیهم السلام پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، آخرین بازماندگان سلسله هادیان الهی هستند، و در این زمان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الأوصیاء، آخرین حجت الهی است، که باقی مانده تا هم حجت خدا و هدایت گر الهی باشد و هم حکومت عدل الهی را برقرار کند و جامعه آرمانی را سامان بخشد. علامه مجلسی پس از بیان نظرات مفسران، به روایات تفسیری در ضمن آیه که می رسد، می فرماید:

مراد از بقیة الله که در برخی روایات مطرح شده، پیامبران و اوصیائی هستند که خداوند آن-ها را برای هدایت خلق در زمین باقی گذاشته بود و روایات در این زمینه بسیار است و یکی از آن ها روایت احتجاج است که امیر المؤمنین علیه السلام مصداق بقیة الله را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند آن کسی که هنگام پایان دوران خواهد آمد و زمین را پر از عدالت خواهد کرد همان گونه که مملو از جور شده بود. (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳: ق: ۲۴، ۲۱۱؛ صدر، سید محمد، ۱۴۲۷: ق: ۴، ۵۲۳-۵۲۴؛ صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹: ق: ۲۳۱؛ قرائتی محسن، ۱۳۸۳ ش: ۴، ۱۰۷؛ قزوینی، محمد کاظم، ۱۴۲۷: ق: ۵۰۳؛ مدرسی، حسین، ۱۳۸۴ ش: ۹۲؛ اوسطی، حسین، ۱۳۸۶ ش: ۲۷۸)

در تفسیر نمونه نیز چنین آمده:

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعبیند، و منظور از «بَقِيَّةُ اللهِ» سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیة الله» محسوب می شود؛ تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ «بقیة الله» اند؛ تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با يك دشمن سر سخت برای يك قوم و ملت باقی می مانند از این نظر «بقیة الله» اند؛ همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند آنها نیز «بقیة الله» اند؛ و از آنجا که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است یکی از روشن ترین مصادیق «بقیة الله» می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است، به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است. (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش: ۹، ۲۰۴-۲۰۵)

شهید سید محمد صدر نیز مقصود از کاربرد بقیة الله درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آن می داند که آن حضرت تنها باقی مانده سلسله انبیا و اولیا و صلحایی است که زمینه را برای حضور و پیاده شدن حکومت عدل ایشان، مهیا نموده اند؛ در نتیجه، وجود شریف آن حضرت، بزرگترین ثمره تلاش علمی و عملی آنهاست. (صدر، سید محمد، ۱۴۲۷ق: ۳، ۲۶۰)

یکی از قرآن پژوهان نیز به کارگیری این لقب در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از سه منظر ملاحظه:

۱. او رمز بقای زندگی سالم و صالح ایمانی است؛
 ۲. او آخرین باقی مانده هادیان الهی است؛
 ۳. او باقی مانده از طرف خدا برای تشکیل حکومت عدل جهانی است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۴، ۳۶۷-۳۶۹)
- این معنا از بقیة الله در تحقیقات مهدی پژوهان دیگر نیز مورد توجه واقع شده است. (یوسفیان، مهدی، ۱۳۸۷ش: ۷۸-۷۹؛ سلیمیان، خدامراد، ۱۳۸۷ش: ۱، ۴۳ و ۲۱۹؛ سلیمیان، خدامراد، ۱۳۸۸ش: ۱۱۶؛ کارگر، رحیم، ۱۳۸۸ش: ۹۸-۹۹)
- بر این اساس بقیة الله یعنی شخصی که از طرف خدا برای هدایت مردم حفظ شده و باقی گذاشته شده است، و در این زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها مصداق آن خواهد بود.

تحلیل دوم: مایه رحمت الهی

بقیة الله به معنای کسی که به خاطر او و به یمن وجود او خداوند بر بشر رحمت را نازل کرده و نسل انسان را بقاء می بخشد؛ کاربرد این واژه در انبیا و اوصیاء به ویژه درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از فضای لغوی «بقیة» نیز بیگانه نیست، زیرا یکی از معانی بقیة در لغت، رحمت، دلسوزی و عفو و گذشت، (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۵۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۲۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۰؛ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش: ۱، ۵۶) است؛ و رسم عرب این بود که هنگام به خطر افتادن نسل خود در جنگ با واژه «البقیة» یا «البقیاء» از دشمن تقاضای ترحم کرده و عاجزانه از فرد و یا گروه غالب، می خواهد که دودمان وی را به کلی از بین نبرده و منقطع نسازد (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۵۴؛ زمخسری، ۱۹۷۹م: ۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۲۷۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۰؛ حسینی زبیدی، محمد، ۱۴۱۴ق: ۱۹، ۲۱۱)؛ و انبیا و اوصیاء به خصوص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این منظر رحمت الهی برای جهانیان

هستند، زیرا به برکت وجود ایشان است که خداوند بر بشر عاصی رحمت آورده و نسل او را منقطع نمی‌سازد. (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳: ق: ۹۹، ۱۳۷؛ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵: ش: ۵۶، ۱) و روایات «لولا الحجة لساخت الأرض باهلها» نیز می‌توانند مؤید این تحلیل قرار گیرند، این روایات با مضامین متفاوت در منابع ذکر شده؛ ۱ و معنای جامع بین آنها این است که زمین از حجت خدا خالی نیست و اگر روزی حجت الهی بر زمین نباشد اهل زمین نابود خواهند شد، پس وجود مقدس حجج الهی در میان مردم نشانه رحمت خدا بر انسان و دوام زندگی بشر خواهد بود.

و بقیة الله به این معنا یعنی شخصی که حجت باقی مانده الهی بر روی زمین است و نشانه رحمت خداوند بر نسل بشر است، و در این زمان حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام تنها مصداق آن خواهد بود و خیر بودن برای مؤمنین نیز واضح است وجود ایشان گرچه مایه‌ی امان برای تمامی عالمیان است اما بهره اصلی این امنیت و رحمت را به ویژه در زمان ظهور، کسانی خواهند برد که به وعده الهی ایمان داشته و در برابر حضرت نایستند و مخالفت نکنند.

تحلیل سوم: منتظر الهی

بقیة الله یعنی کسی که به عنوان موعود الهی بر روی زمین است و مردم انتظار ظهورش را دارند، بقیة الله با این تحلیل، تنها درباره امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام توجیه خواهد داشت و این معنی از فضای لغت نیز بیگانه نیست زیرا همان‌گونه که گذشت این واژه در معنای ترصد، ترقب و انتظار نیز به کار رفته است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق: ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: م: ۴۷؛ جوهری، ۱۴۰۷: ق: ۶، ۲۲۸۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ش: ۱، ۱۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ق: ۱۴، ۸۱-۸۲) و برخی

۱. این حدیث به صورت متنوع در منابع ثبت شده است؛ به عنوان نمونه: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، لَسَاخَتْ (کلینی، ق: ۱۴۲۹، ۱: ۴۳۷؛ ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۱۳۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ق: ۱، ۴۸۸) أَتَيْهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، أَوْ عَلَى الْعِبَادِ؟ فَقَالَ: «لَا، لَا تَبْقَى، إِذَا لَسَاخَتْ (کلینی، ق: ۱۴۲۹، ۱: ۴۳۸) إِنَّا زُوَيْنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ أَوْ تَبْقَى وَلَا إِمَامَ فِيهَا فَقَالَ مَعَادَ اللَّهِ لَا تَبْقَى سَاعَةً إِذَا لَسَاخَتْ. (کلینی، ق: ۱۴۲۹، ۱: ۴۳۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ق: ۱، ۴۸۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۱، ۲۰۲؛ ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۱۳۹) بِنَا أَوْتَدَّ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسْبِيحَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا دَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ وُلْدِي، سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَ لَمْ يَنْظُرُوا (کلینی، محمد بن يعقوب، ق: ۱۴۲۹، ۲: ۷۰۳) لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ زَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ مَا جِثَّ كَمَا يَمْوُجُ الْبَحْرِ بِأَهْلِهِ (ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۱۳۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ق: ۱، ۴۸۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۱، ۲۰۲) قُلْتُ لَهُ يَكُونُ الْأَرْضُ بِإِمامٍ فِيهَا قَالَ لَا إِذَا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (صفار، ۱۴۰۴: ق: ۱، ۴۸۸) لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ حَزَقَةً عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (صفار، ۱۴۰۴: ق: ۱، ۴۸۹) وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاجِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۱۴۱) قُلْتُ لَهُ أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ (صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۱، ۲۰۱) فَقَالَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ وَ لَوْ بَقِيَتِ إِذَا لَسَاخَتْ (ابن ابی زینب، نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۱۳۹) وَ لَوْلَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَتَفَضَّتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا وَ أَلْقَتْ مَا عَلَيْهَا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ (صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۱، ۲۰۲).

دیگر نیز معنی نگاه منتظرانه را برای این واژه برگزیده بودند؛ (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۵، ۲۳۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۶، ۵۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۲۲۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۲۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۱-۸۲؛ فیروزآبادی، بی تا: ۴، ۳۰۴). و گزارش معاذ را درباره پیامبر خدا ﷺ این گونه ترجمه کرده اند:

معاذ می گوید: ما یک شب انتظار آمدن پیامبر ﷺ را برای نماز عشاء می کشیدیم تا جایی که گمان کردیم یا نماز را خوانده اند و یا می خواهند در منزل نماز بخوانند... (بیهقی، بی تا: ۱، ۴۵۱؛ زیلعی، ۱۴۱۴ق: ۲، ۱۵۴) در این گزارش لفظ بقینا رسول الله به معنی انتظرناه ترجمه شده (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۱، ۱۱۱؛ همو، ۱۴۰۷ق: ۲، ۴۳۷؛ همو، ۱۹۷۹م: ۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۸؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶، ۲۲۸۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۱، ۱۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴، ۸۱-۸۲) بر این اساس پیامبر منتظر اصحاب خود بودند و اصحاب منتظر ایشان و بقیة الله در این فضا به معنای انتظار کشیده شده الهی است و موعودی است که از طرف خداوند نوید آمدنش داده شده و امت اسلام منتظر قدمش هستند.

و بقیة الله در این تحلیل یعنی شخصی که از طرف خدا وعده داده شده و مردم منتظر ظهور اویند، و در این دوران به اعتقاد شیعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها مصداق آن خواهد بود و خیر بودن برای مؤمنین به آن حضرت و به وعده الهی نیز واضح است زیرا آن ها هستند که منتظر اویند و آنها هستند که در حکومت عادلانه او بهره تام می برند.

و خطاب قرار دادن ایشان در زمان ظهور نیز با این تحلیل ناسازگار نیست چرا که او منتظری است که مردم انتظار آمدنش را کشیده اند و هنگام ظهورش با این لفظ اشاره به این انتظار طولانی می کنند و با این لقب سرور درونی خود را از پایان این انتظار ابراز می دارند.

نتیجه گیری

واژه «بقیة الله» در آیه «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»، به موارد مختلفی از قبیل سود شرعی و یا نعمت و روزی حلال در دنیا و ثواب ترک محرمات در آخرت، بهره و ثواب الهی، رحمت و مراقبت خداوند، احکام و فرایض الهی، پیروی از دستورات و توصیه های خدا، فطرت پاک و روح ایمان و تقوای حاصل از عمل به دستورات الهی، و هر موجود نفاعی که از طرف

۱. معاذ قال بقینا رسول الله ﷺ لصلاة العتمة لیلة فتأخر بها حتی ظن الظان ان قد صلی اولیس بخارج ثم إنه خرج بعد فقال له قائل یا نبی الله لقد ظننا انک قد صلیت یا نبی الله اولست بخارج فقال لنا النبی صلی الله علیه وسلم اعتموا بهذه الصلاة فانکم قد فضلتم بها علی سائر الأمم ولم یصلها أمة قبلکم.

خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت گردد، تفسیر شده بود؛ بنا بر آخرین معنی یعنی هر موجود نافع الهی، انبیاء علیهم السلام و اوصیاء الهی علیهم السلام یکی از مصادیق بقیة الله خواهند بود، و مؤید این تطبیق روایاتی است که ائمه معصومین علیهم السلام این وصف را درباره خود به ویژه امام زمان علیه السلام به کار گرفته‌اند، پس از بررسی واژه «بقی» و «بقیة الله» در منابع لغوی، تفسیری و روایی، این تحقیق سه تحلیل برای تطبیق این آیه بر امام مهدی علیه السلام ارائه کرد؛ یکی این که امام زمان علیه السلام آخرین هادی باقی مانده از طرف خداوند است، و دوم این که آن حضرت، مایه رحمت الهی، و نشانه رحم و عطوفت خداوند بر بندگان و بقای نسل انسان است و سوم این که امام قائم علیه السلام منتظر الهی، و کسی است که خداوند وعده ظهورش را داده و مردم منتظر قدوم مبارکشان هستند، تحلیل سوم تنها درباره امام زمان علیه السلام کاربرد دارد اما دو تحلیل دیگر درباره ائمه علیهم السلام در زمان خودشان صادق بوده است.

فهرست منابع

۱. القرآن الکریم
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة (للنعمانی)، نشر صدوق، تهران، اول، ۱۳۹۷ ق.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، تهران، دوم، ۱۳۹۵ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، اول، ۱۳۷۸ ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) - قم، اول، ۱۳۷۹ ق.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، بی تا.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، اول، رجب ۱۴۱۴.
۱۰. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر والتنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، دار

الكتب العلمية بيروت اول ١٤١٩ق .

١٣. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير (لابن المشهدى)، تحقيق: جواد القيومى الاصفهاني، مؤسسة النشر الإسلامى، قم، چاپ: اول، ١٤١٩ق .
١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الفكر و دار صادر، بيروت، سوم، ١٤١٤ق .
١٥. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، تبريز، اول، ١٣٨١ق .
١٦. آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، دار الكتب العلمية، بيروت، اول، ١٤١٥ق .
١٧. اوسطى، حسين، دوازده گفتار درباره دوازدهمین حجت خدا حضرت مهدى عجل الله تعالی فرجه، مشعر، تهران، اول، ١٣٨٦ش .
١٨. بيضاوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل (تفسير البيضاوى)، دار إحياء التراث العربى، بيروت، اول، ١٤١٨ق .
١٩. بيهقى، السنن الكبرى، دار الفكر، بيروت، بى تا .
٢٠. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير آى القرآن (تفسير ثعلبى)، دار إحياء التراث العربى، بيروت، اول، ١٤٢٢ق .
٢١. جوهرى، الصحاح، تحقيق: أحمد عبد الغفور العطار، دارالعلم للملایین، بيروت، چهارم، ١٩٨٧م - ١٤٠٧ق .
٢٢. حسینی زبیدی، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بيروت، اول، ١٤١٤ق .
٢٣. حقى بروسوى اسماعيل، تفسير روح البيان، دارالفکر، بيروت، اول، بى تا .
٢٤. حلى، حسن بن سليمان بن محمد، مختصر البصائر، بى تا، قم، اول، ١٤٢١ق .
٢٥. حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلى)، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم، اول، ١٤٠٨ق .
٢٦. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، البلاغ، بيروت، ١٤١٩ق .
٢٧. خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الأثر فى النص على الأئمة الإثنى عشر، قم، ١٤٠١ق .
٢٨. درويش محيى الدين، اعراب القرآن وبيانه، دارالارشاد، سوریه، چهارم، ١٤١٥ق .
٢٩. راغب أصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بيروت، اول، ١٤١٢ق .
٣٠. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل، سوم، دار الكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ق .

۳۱. زمخشری، محمود بن عمر، *أساس البلاغة*، دار صادر، بیروت، اول، ۱۹۷۹ م.
۳۲. زمخشری، محمود بن عمر، *الفایق فی غریب الحدیث*، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۱۷-۱۹۹۶ م.
۳۳. زیلعی، *تخریج الأحادیث والآثار*، تحقیق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، دار ابن خزيمة، الرياض، اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۴. سلیمیان، خدامراد، *درس نامه مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، سوم، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ نامه مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، اول، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، اول، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۷. سید رضی، محمد بن حسین، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، دار الأضواء، بیروت، دوم، بی تا.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، دوم، ۱۳۶۵ ش.
۳۹. صادقی تهرانی، محمد، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، اول، ۱۴۱۹ ق.
۴۰. صدر، سید محمد، *موسوعة الامام المهدي* عجل الله تعالی فرجه الشریف، دار الکتب الاسلامی، قم، دوم، ۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م.
۴۱. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دوم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، سوم، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، بی تا، تهران، سوم، ۱۳۹۰ ق.
۴۵. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، بی تا، مشهد، اول، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، دار المعرفة، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرين*، مرتضوی، تهران، سوم، ۱۳۷۵ ش.

۴۸. طنطاوی، سید محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، نهضة، قاهره، اول، ۱۹۹۷ م.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، اول، بی تا.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: خرسان، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، المطبعة العلمية، تهران، اول، ۱۳۸۰ ق.
۵۲. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، سوم، ۱۴۲۰ ق.
۵۳. فرات بن ابراهیم کوفی، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، دوم، ۱۴۰۹ ق.
۵۵. فیروز آبادی، *القاموس المحیط*، بی نا، بی جا، بی تا.
۵۶. فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، مؤسسه دار الهجرة، قم، دوم، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. قرائتی محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۵۸. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم الكتاب، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، اول، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۶۰. قزوینی، محمد کاظم، *الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهدی الی الظهور*، دار الانصار، قم، اول، ۱۴۲۷ ق.
۶۱. قطب الدین راوندی (الف)، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائج*، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، اول، ۱۴۰۹ ق.
۶۲. قطب الدین راوندی (ب)، سعید بن هبة الله، *قصص الأنبياء عليهم السلام (للاخوانی)*، مرکز پژوهش های اسلامی، مشهد، اول، ۱۴۰۹ ق.
۶۳. کارگر، رحیم، *مهدویت (پیش از ظهور)*، دفتر نشر معارف، قم، سوم، ۱۳۸۸ ش.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، دار الحدیث، قم، اول، ۱۴۲۹ ق.
۶۵. گنابادی سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، دوم، ۱۴۰۸ ق.
۶۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۶۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، محمد باقر المجلسی، اعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۳ق.
۶۸. محمدی، رمضان، *پرسیمان قرآنی حج*، مشعر، تهران، اول، بی تا.
۶۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول، ۱۳۶۸ش.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیة، تهران، اول، ۱۳۷۴ش.
۷۱. ملاحویش آل غازی سید عبدالقادر، *بیان المعانی*، مطبعة الترقی، دمشق، اول، ۱۳۸۲ق.
۷۲. یوسفیان، مهدی، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، چهارم، ۱۳۸۷ش.

